



شبه 23 مرداد 1395-10 ذی القعدة 1437-13 آگوست 2016

جزیره بحرین واقع در جنوب خلیج فارس، در اوایل دوران قاجار تحت نظر ایران اداره می‌شد ولی پس از چند سال، انگلیسی‌ها به بهانه اینکه ایران فاقد نیروی دریایی است، طی قراردادی با قاجار، حفظ امنیت خلیج فارس و بحرین برعهده نیروی دریایی بریتانیا گذاشته شد.

اعلام استقلال، بحران از ادیان (1350 ش)

جزیره بحرین واقع در جنوب خلیج فارس، در اوایل دوران قاجار تحت نظر ایران اداره می‌شد ولی پس از چند سال، انگلیسی‌ها به بهانه اینکه ایران فاقد نیروی دریایی است، طی قراردادی با قاجار، حفظ امنیت خلیج فارس و بحرین برعهده نیروی دریایی بریتانیا گذاشته شد. این حاکمیت که بیش از یکصد و پنجاه سال به طول انجامید، بعدها به طور مکرر مورد مخالفت دولت‌های وقت ایران واقع می‌گردید ولی هر بار به نحوی با شکست مواجه می‌شد. در نهایت وقتی که ایران در سال 1336 ش در لایحه تقسیمات کشوری، بحرین را استان چهاردهم ایران اعلام کرد، موجی از مخالفت در کشورهای عربی را برانگیخت. در این میان شاه که نمی‌خواست حمایت کشورهای عربی را از دست بدهد و ضمناً برای اینکه بتواند حاکمیت ایران نسبت جزایر دیگر خلیج فارس از قبیل تنب کوچک و تنب بزرگ و ابوموسی را تثبیت کند، یکباره و به طور ناگهانی، تصمیم خود را مبنی بر چشم‌پوشی از ادعاهای دیرینه ایران به بحرین اعلام نمود و پس از آن، دولت، میانجی‌گری دبیر کل سازمان ملل را در این مسأله تقاضا کرد. بنابراین در 21 اردیبهشت 1349 ش برابر 11 می 1970 م شورای امنیت براساس گزارش هیئت اعزامی به بحرین مبنی بر تمایل اکثریت قاطع اهالی بحرین به استقلال، قطعنامه‌ای صادر کرد که مفاد آن قطعنامه مبنی بر لزوم استقلال بحرین، در 24 اردیبهشت آن سال به تصویب مجلس شورای ملی ایران رسید. هنوز استقلال بحرین رسماً اعلام نشده بود که هیئت حسن نیت ایرانی راهی بحرین شد و هیئتی نیز از آنجا به ایران آمد. سرانجام این جزیره مهم و استراتژیک و سرشار از منابع انرژی در 23 مرداد 1350 ش اعلام استقلال کرد و ایران نخستین کشوری بود که یک ساعت پس از اعلام استقلال، آن کشور را به رسمیت شناخت.

• پادشاه انگلیس از امپراطوری هندوستان صرف‌نظر نمود و کشور هندوستان استقلال یافت. (1326 ش)

در همین روز منطقه مسلمان نشین هندوستان کشور مستقلی به نام پاکستان تشکیل داد

انقراض سلسله‌ی سامانیان توسط ایلک خان (389 ق) بر اثر نفوذ بیش از حد غلامان ترک در دربار سامانیان و دخالت آنان در تمام امور، حاکمیت این سلسله رو به انحطاط نهاد. پادشاهان سامانی در دوره‌ی اقتدار خود به آبادانی شهرهای قلمرو خود پرداختند. آن‌ها به ویژه به گسترش علم و ادب و تکریم عالمان، ادیبان و شعرا توجه‌ی زیادی داشتند، به گونه‌ای که مراکز علمی متعددی در شهرهای مختلف آسیای مرکزی و خراسان در شمال شرقی ایران تأسیس کردند. سرانجام این سلسله پس از 128 سال حکومت بر خراسان، ماوراءالنهر و بخشی از مناطق مرکزی ایران، توسط ایلک خان که از غلامان ترک و صاحب نفوذ بود، منقرض گردید. همزمان با اضمحلال سامانیان، خاندان آل بویه و سلسله‌ای از ترکان به نام غزنویان در ایران قدرت یافتند.

آغاز انقلاب فرهنگی در رژیم کمونیستی چین به رهبری "مائوتسه تونگ" (1966م) با پیروزی کمونیست‌ها در چین در سال 1949م، مائوتسه تونگ در مقام رهبر این جنبش، تصمیم به انجام یک انقلاب در درون حزب کمونیست این کشور گرفت. هدف وی بازگرداندن حیات فرهنگی سیاسی چین به خط اصیل ایدئولوژیکی بود. به زعم مائو، بخشی از جامعه و حزب دچار انحراف شده و نتیجه آن ضربه هولناکی بر مرام مارکسیسم، لنینیسم خواهد زد. از این رو، سخنرانی مائو در سوم سپتامبر 1965م که طی آن، غرب‌گرایی و لیبرالیسم در چین به شدت مورد حمله قرار گرفته بود، نخستین جرقه برای روشن ساختن آتش انقلاب فرهنگی را ایجاد کرد. هدف آنچه به نام انقلاب فرهنگی معروف شد، ظاهراً ایجاد یک دگرگونی بنیادی در فرهنگ چین و جای‌گزین کردن ارزش‌های تازه با ارزش‌های کهن بود. ولی این انقلاب، تنها شامل مجموعه‌ای که به نام فرهنگ خوانده می‌شد، نبود. بلکه این انقلاب، عملاً سازمان حکومت و بوروکراسی جدید کشور را نشانه گرفته بود و هدف آن از هم پاشیدن تمام تشکیلاتی بود که در آن زمان وجود داشت. مائو در این برنامه از مردم و به ویژه جوانان حزب کمونیست چین خواست که آن دسته از مقامات دولتی و حزبی را که از خط مائو و اندیشه‌های او منحرف شده یا در آستانه لغزش بودند، مورد انتقاد، بازجویی و افشاگری قرار دهند. از این رو، موج انقلاب فرهنگی از 13 اوت 1966م آغاز شد و میلیون‌ها نفر از جوانان داوطلب در قالب گاردهای سرخ، آمادگی خود را برای اجرای انقلاب فرهنگی اعلام کردند. مائو در انجام این حرکت، با اتکا به چند نفر از کادر رهبری چین، به قلع و قمع و تصفیه بسیاری از کادرهای قدیمی و هم حزبی‌های خود پرداخت و آنهایی که با سیاست‌های اقتصادی و سیاسی وی هماهنگی لازم را نداشتند از کار برکنار نمود. در جریان این انقلاب، تمامی مظاهر غرب و نیز ابنیه‌های تاریخی و آثار فرهنگی در معرض تهدید قرار گرفت. موزه‌ها ویران گردید، آثار عتیقه به دور انداخته شد و مروجین و مقلدین فرهنگ غرب مورد اهانت و تحقیر واقع شدند. دانشگاه‌ها و مدارس چین در جریان انقلاب فرهنگی که باید آن را ضد فرهنگی خواند تعطیل شدند و بین سه تا پنج سال از عمر جوانان چین به این صورت هدر رفت. همچنین کاهش تولید محصولات کشاورزی و مواد غذایی ناشی از آشفتگی‌های

دوران انقلاب فرهنگی، باعث ایجاد قحطي و گرسنگي گرديد که در جريان آن بيش از ده ميليون نفر جان خود را از دست دادند. تعداد کساني که در جريان اين انقلاب کشته يا اعدام شدند، در حدود 35 هزار نفر اعلام شد. با اين همه، انقلاب فرهنگي چين از سوي طرفداران مائو به عنوان سرچشمه مشروعيت، مورد ستايش قرار گرفت ولي از طرف جانشينان او به عنوان علت تمامي شکستها و مشکلات آن رژيم محکوم گرديد. انقلاب فرهنگي چين که تا سال 1969م به مدت بيش از سه سال به طول انجاميد باعث شد قدرت بلامنازع چين در دست مائو قرار گيرد و او تا پايان عمر با اقتدار کامل حکومت کند.